

بررسی کیفیت بهره‌گیری از قرآن

در مدیریت حکومت انقلابی*

- فرزانه اکبرپناه بیلنندی^۱
□ محمد جواد توکلی خانیکی^۲
□ مرتضی حاتمی نسب^۳

چکیده

کیفیت مدیریت حکومت، مسائلهای بسیار مهم و البته حساس است که نظرات درباره آن از تنواع بالایی برخوردار است. این اهمیت و حساسیت در حکومت‌های گوناگون متفاوت است. از جمله حکومت‌هایی که حساسیت در آن بسیار بالاست، مدیریت حکومت انقلابی است؛ زیرا جامعه دارای ایدئولوژی مشترک و هدفی جدید است و تک تک ارکان جامعه با روحیه انقلابی به سمت هدف والایی در حال حرکت‌اند، لذا هرگونه اشتباہ در مدیریت حکومت انقلابی، جامعه را از راه سعادت به فساد و تباہی می‌کشاند. این مقاله با هدف بررسی بهره‌گیری از قرآن در مدیریت حکومت انقلابی با روش توصیفی-

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۵/۲۲ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۲/۰۸

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته علوم قرآنی، دانشکده تربیت مدرس مشهد (نویسنده مسئول)

farzaneh.akbarpanah@gmail.com

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه علوم و معارف قم، واحد مشهد

.(Tavakoli@quran.ac.ir)

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته تفسیر قرآن، دانشکده علوم قرآنی آمل

(morteza.hatami@gmail.com)

تحلیلی سامان یافته است. از یافته‌های این مقاله این است که، امن‌ترین راه برای مدیریت درست، بهویژه مدیریت حکومت انقلاب صالح؛ هدف، نگرش و روشی است که از سوی خداوند، ارائه شده است. طبق کلام الهی، هدف در حکومت باید الهی و در راستای تأمین سعادت دنیا و آخرت جامعه باشد و در نهایت خدمات عمومی مردم را فراهم کند. افزون بر این، مدیر حکومت نیز باید دارای ویژگی‌هایی باشد که او را در انتخاب هدف درست یاری دهد از جمله: تقویت‌پیشگی، علم و تخصص، روحیه ظلم‌ستیزی و عدالت‌بیشگی، امانت‌داری، مردمی بودن و ...

کیفیت روشنی که مدیریت حکومت انقلابی در برابر معضلات جامعه، می‌تواند اتخاذ کند عبارت‌اند از؛ استفاده از تمام امکانات جامعه، مدارا و مشورت کردن با مردم، برخورد ملایم حتی با دشمنان، استقلال و خوداتکالی، تویی و تبری و محرومیت‌گرا و محرومیت‌زدایی و

واژگان کلیدی: مدیریت، حکومت‌انقلابی، مدیریت حکومت انقلابی، قرآن کریم.

مقدمه

انقلاب در جوامع، از مسائلی است که موجب دگرگونی در حکومت می‌شود. جامعه‌ای که دچار انقلاب می‌شود، اگر سریعاً توسط مدیریت جدید حکومت به دست گرفته نشود، تمام ارکان جامعه دچار سرگردانی می‌شود. از آنجا که رویکردهای مختلفی در انقلاب وجود دارد، الهی بودن یا غیر الهی بودن حکومتها در شیوه مدیریت جامعه تأثیر دارد. از این‌رو، انقلاب بر پایه آموزه‌های قرآنی نسبت به سایر انقلاب‌ها از نظر پیدایش، انگیزه و کیفیت مبارزه تفاوت دارد. در نتیجه، شرایط مدیریتی چنین انقلابی بسیار متفاوت‌تر و حساس‌تر است. مدیریت نامناسب می‌تواند ضربه بزرگی به جامعه وارد کند؛ زیرا دشمنان به راحتی در انقلاب نفوذ کرده و بساط آرامش مردم و هویت ایدئولوژی مشترکشان را از هم می‌باشند. امام علی علی‌الله‌در این‌باره می‌فرماید: «مَكَانُ الْقِيَمِ بِالْأَمْرِ مَكَانُ النَّظَامِ مِنَ الْحَرْزِ يَجْمَعُهُ وَ يَصْسَهُ، فَإِنِ انْقَطَعَ النَّظَامُ تَفَرَّقَ الْحَرْزُ وَ ذَهَبَ شَمَ لَمْ يَجْمَعَ بِحَذَافِيرِهِ أَبَدًا»؛ جایگاه زمامدار در این کار، جایگاه رشته‌ای است که مهره‌ها را به هم فراهم آورد و برخی را ضمیمه برخی دیگر دارد. اگر رشته بپردازد،

مهره‌ها پراکنده شود و از میان رود و دیگر به تمامی فراهم نیاید (خطبه ۱۴۶).

۱۶۷

پس اگر انقلاب دارای آرمان الهی باشد و مدیریت مناسبی داشته باشد، می‌تواند با چنگ زدن به ریسمان الهی خود را از هرگونه آسیب نجات دهد، زیرا امداد الهی همواره مدد کننده مردمانی است که در برابر طاغوت جهاد می‌کنند و یا می‌خواهند وضعیت خود را به سطوح بالاتر انسانی تغییر دهند و نیز استفاده از فرموده‌های خداوند در قرآن کریم و بهره‌گیری درست از آن، مدیریت حکومت انقلابی را ممکن ساخته و دستورالعملی مشخص و کاملاً اجرایی به مدیر حکومت و جامعه انقلابی ارائه می‌دهد. بهترین مدیریت بر طبق معیارهای قرآنی و اسلامی، مدیریتی است که به عناصر و افراد امکان بدهد که خودشان را براساس معیارهای اسلامی اداره کنند. در عصر کنونی جوامع مختلف، از منابع مالی زیادی برخوردار می‌باشند و با مدد از پیشرفت علمی در ظاهر، مسیر را برای زندگی مناسب ارتقا بخشیده‌اند؛ اما در عمل معضلات اجتماعی فراوانی پیش روی جوامع قرار دارند. محقق وجود قرآن را منبع گرانبهایی می‌داند که بهترین راه برای مقابله با معضلات فراروی بشری در هر عصر است.

در این مقاله به بررسی برخی از مهم‌ترین نکته‌های مدیریتی قرآن برای پیش‌برد حکومت پرداخته می‌شود. امید است با بهره‌گیری از قرآن بتوانیم بر تمام مشکلات و معضلات پیروز شویم.

۱. مفهوم‌شناسی

«مدیریت» از ماده «دور»، متصدی رسیدگی به چیزی، اداره کننده اداره یا دایره‌ای از کشور؛ آن که عهده‌دار اداره عمومی یا خصوصی است (افرام، ۱۳۷۶: ۸۰۰؛ لطفی، ۱۳۸۴: ۱۰). علاوه بر این به هماهنگ کردن، رهبری و کنترل فعالیت‌های دسته‌جمعی برای نیل به هدف‌های مطلوب (فایضی، ۱۳۷۵: ۲۸)، با حداقل کارایی نیز مدیریت می‌گویند (تقوی دامغانی، ۱۳۸۶: ۲۰). مدیریت اسلامی؛ به معنای علم و هنر به کارگیری صحیح افراد و امکانات در جهت وصول اهداف سازمانی است، به نحوی که با موازین شرع مغایرت نداشته باشد (نبوی، ۱۳۷۵: ۳۶). به طور کلی مدیریت یعنی اداره کردن، و مهم‌ترین وظیفه مدیر، برنامه‌ریزی درست و منطقی جهت پیش‌برد اهداف است.

«حکومت» از ماده «حَكْم» به معنای داوری، دستگاه دولت و حکم فرمانی

است (سیاح، ۱۳۷۹: ۳۷۶). حُکم یعنی داوری (قرشی، ۱۳۷۱: ۲/۱۶۰؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۲: ۳۹/۴) و اصل آن منع و بازداشت برای اصلاح است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۴۸). حکومت در اصطلاح به معنای اعمال نظارت بر دیگران و واداشتن دیگران به رفتار و عمل به شیوه‌های معین است (گولد، ۱۳۷۶: ۳۶۵). به عبارت دیگر، ایدئوژی‌های مختلف سیاسی برای اداره جامعه، هریک قانون‌گذاری قضائی و اقتصادی مخصوص به خود را دارند و مجموعه ارگان‌ها و سازمان‌های اداری اجتماعی که به طور هماهنگ جامعه را اداره می‌کنند، حکومت آن جامعه را تشکیل می‌دهند (فرهیخته، ۱۳۷۷: ۳۶۵). حکومت یعنی قانون‌گذاری خاصی که هر کشور برای خود مشخص می‌کند و براساس آن بین مردم حکم و داوری می‌کند.

«انقلاب» از ماده «قلَب»، یعنی برگشتن (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۸۱) و برگرداندن است (قرشی، ۱۳۷۰: ۶/۲۳). اکثر نویسنده‌گان جدید اصطلاح انقلاب را تغییرات ناگهانی و بنیادینی می‌دانند و زمانی وقوع می‌باید که حکومتی «مستقر» به طور ناگهانی، و گاه به طرزی خشونت‌آمیز به وسیله حکومت یا نظام جدیدی کنار زده می‌شود (گولد، ۱۳۷۶: ۱۲۵؛ مطهری، ۱۳۶۱: ۲۳). انقلاب شورش عده‌ای برای واژگون کردن حکومت و ایجاد حکومتی نو به منظور تغییرات اساسی در تمام نهادها و جایگزینی سازمان نوین و مطلوب در چارچوب اهداف خاص است (خرمشاهی و دیگران، ۱۳۷۵: ۲/۵۶۲). و این تعبیری درست و کامل از واژه انقلاب است و در واقع انقلاب یعنی شورش برای براندازی یک حکومت.

«انقلابی» به طرف داران دگرگونی یک نظام می‌گویند (دشتی، ۱۳۷۹: ۶۱۹). از منظر رهبر انقلاب اسلامی ۵ شاخص انقلابی‌گری و انقلابی‌ماندن عبارتند از: پاییندی به مبانی و ارزش‌های اساسی اسلام و انقلاب، هدف‌گیری آرمان‌های انقلاب و همت بلند برای رسیدن به آن‌ها، پاییندی به استقلال کشور، حساسیت در برابر دشمن و نقشه او و تقوای دینی و سیاسی (بيانات مقام معظم رهبری، ۹۵/۳/۱۴). حکومتی که مصلحین و

دگرگون خواهان هر کشور در آن قانون گذاری خاص و متفاوت از گذشته مد نظر دارد و آنرا وضع و براساس آن بین مردم داوری می کنند، حکومت انقلابی می نامند. اگر جامعه‌ای اراده رسیدن به چنین حکومتی داشته باشد؛ باید تمام آحاد جامعه سرباز تحقق ایدئولوژی مورد نظر باشند، و هر گونه آثاری که بر ضد دستیابی به هدف حکومت جدید است را از بین ببرند.

۲. حکومت انقلابی صالح

قرآن کریم مدیریت خوب را دارای ویژگی‌های خاصی می داند، به همین دلیل هر حکومتی باید هدف، نگرش و روش‌های مدیریتی خود را برای پیش‌برد اهداف مورد نظر مشخص کند. نوع و چگونگی هدف، نگرش و روش مدیریت حکومت، آینده و سرانجام جامعه را تعیین می کند. کلید به دست گرفتن حکومت، ایمان و عمل صالح است: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لِيَسْتَحْلِفُنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ﴾ (نور/۵۵) و اگر اهداف، نگرش و روش مدیران حکومت، الهی و برگرفته از قرآن باشد حکومت، به معنای واقعی شکل می گیرد.

۱-۲- هدف‌گذاری براساس قرآن

هدف، حقیقتی است که آگاهی و اشتیاق برای به دست آوردن آن، محرك انسان برای انجام افعال معینی است که آن حقیقت را قابل وصول می سازد؛ به عبارت ساده‌تر، هدف چیزی است که برای آن تلاش می شود (عصاره، ۱۳۹۱: ۱۷). این تعییری درست و منطقی از هدف است و در واقع هدف، آن چیزی است که برای رسیدن به آن تلاش می شود.

یکی از موانع بسیار مهم موققیت، ناتوانی افراد و سازمان‌ها در تعیین اهداف می باشد. آن‌هایی که رؤیایی در ذهن و هدفی بر روی کاغذ نداشته باشند، مقصدشان نامشخص خواهد بود. یکی از مهارت‌هایی که مدیران و کارکنان باید در خود تقویت نمایند، مهارت هدف‌گذاری است و اگر اهداف درست مشخص شوند، انسان از مسیر الهی خارج نمی شود. مهم‌ترین ویژگی‌های اهدافی که قرآن کریم برای مدیریت حکومت انقلابی به آن اشاره دارد، عبارتند از:

۱-۱-۲- الهی بودن

۱۷۰

خداوند جهان را هدف دار خلق کرده و انسان را هم جزئی از این عالم قرار داده و از او خواسته است که امور زندگی اش هدف دار باشد. مدیریت هم یکی از رفتارهای عملی انسان است و باید بر پایه هدف انجام گیرد. هدف اساسی در زندگی بشر رسیدن به خداوند است و هر کس هدفی جز او دنبال کند، زیان دیده است. مدیریت هم با رضایت خداوند تفسیر می شود؛ چون جز راه او مسیر و بازگشتی نیست (ابراهیمی، ۱۳۷۹: ۳۸-۳۹). خداوند در قرآن می فرماید: ﴿غَافِرُ الذَّنْبِ وَ قَائِلُ السُّوْبِ شَدِيدُ الْعِقَابِ ذُنْبٍ الطَّوْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ إِلَيْهِ الْمُصِيرُ﴾؛ خداوندی که آمر زندگانه، و پذیرنده توبه و شدید العقاب، و صاحب نعمت فراوان است، هیچ معبدی جز او نیست، و بازگشت به سوی او است (غافر / ۳).

منظور از الهی بودن هدف در مدیریت، داشتن هدفی مشخص و گام نهادن در آن هدف، برای خدمت به خلق در جهت رضایت خداوند است. قرآن کریم در آیات بسیاری، الهی بودن هدف را متذکر شده است. چنان که با تبیین شیوه دعای پیامبران بنی اسرائیل در مجتمع، هرگونه شرک را نفی کرده و هدف بشریت را خدای یگانه معرفی می کند. در سوره طه در مورد موسی علیه السلام و هارون علیه السلام می فرماید: ﴿كَيْ سَبَّحَكَ كَثِيرًا وَ نَذَرْكَ كَثِيرًا﴾؛ تا تو را بسیار تسبیح گوییم و تو را بسیار یاد کنیم (طه / ۳۳-۳۴). کثرت تسبیح و ذکر پروردگار توسط حضرت موسی علیه السلام و هارون علیه السلام برای دعوت مردم به توحید است تا با کمک یک دیگر برای عموم مردم ذات پروردگار را به بیگانگی و بی همتایی معرفی نمایند (حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۱۰/ ۵۶). مراد از تسبیح، تنزیه خدا تعالی از شریک و مبارزه با الوهیت آلهه، و ابطال رویت آنها است، تا دعوت به ایمان به خدای یگانه، که همان ذکر است در دلها جای خود را باز کند، پس تسبیح از قبیل دفع مانع است (طباطبائی، ۱۳۹۰: ۱۴/ ۱۴۸).

از این رو، یکی از مهمترین ویژگی های هدف، الهی بودن آن است. وقتی هدف در زندگی، کار و حتی در سطح یک حکومت الهی باشد، خود خداوند پیروزی را برای آن دولت و ملت فراهم می کند. اولین رسالت تمام پیامبران دعوت به توحید بوده است؛ از جمله حضرت موسی علیه السلام در راستای رسالت خود از خداوند می خواهد که هارون علیه السلام را

وزیر او گرداند، چون امر رسالت بزرگ و خطیر است و برای پیروزی نیازمند منزه شدن جامعه از شرک و بتپرستی و زنده شدن یاد خداوند است. درست است که در عصر حاضر خبری از سنگ و چوبی که در دوران جاھلیت می‌پرسند نیست؛ اما در واقع جامعه امروز هم مصدق این آیه است. وقتی از صراط مستقیم دور شده و دستورات خدا و پیامبر ﷺ را به راحتی زیر پا می‌گذاریم و هدفمان در زندگی و جامعه فقط مطامع شخصی است، در واقع برای او شریک قرار داده‌ایم. اما اگر هدف الهی باشد، مسیر درست است و زیر نظر خداوندی است که رحمتش تمام موجودات را در بر می‌گیرد. گاندی می‌گوید: «من در تلاش آن هستم که از راه خدمت به خلق و بشریت خدا را ببینم؛ زیرا می‌دانم که خدا نه در آسمان‌ها است و نه در اعماق زمین، بلکه در وجود هر فرد است» (گاندی، ۱۳۶۱: ۱۰۲).

۲-۱-۲- در برگیرنده سعادت دنیا و آخرت

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌هایی که در هدف گذاری مدیریت حکومت انقلابی باید مدنظر باشد، این است که هدف در برگیرنده سعادت دنیا و آخرت باشد. سعادت بشر لطف الهی است، از این‌رو، خداوند فطرت را برای بشر، هدایت کننده او به سوی سعادت دنیا و آخرت قرار داده است و این فطرت همواره راه درست را به او گوش زد می‌کند. اما با وجود نیاز انسان به زندگی اجتماعی، قدرت فطرت کاسته شده و تحت تأثیر زرق و برق‌های زندگی دنیوی قرار می‌گیرد. این اثرات می‌توانند فطرت را منحرف کرده و بشر را به فساد بکشاند، از این‌رو مدیر جامعه اسلامی نیز باید مدیریت خویش را بر پایه سعادت دنیا و آخرت قرار دهد.

یکی از سنت‌های الهی این است که هر موجودی را به سوی کمال و سعادت هدایت نماید. انسان یکی از انواع موجودات و یکی از مشمولین این هدایت است، و عنایت الهی ایجاد می‌کند که او را هم به سوی سعادت زندگی اش هدایت نماید، و چون زندگی او یک زندگی جاودانه است، و محدود به حدود و ختم پذیر به رسیدن مرگ نیست؛ قهرآ سعادت زندگی او هم به این خواهد بود که در دنیا به نحوی زندگی کند که زندگی او را تا ابد قرین سعادت نماید. این قسم زندگی را همان عقاید حق و اعمال

صالح تأمین می کند و در آخرت هم به وسیله همین عقاید و اعمال دارای زندگی خوشی خواهد بود. از این رو، قرآن کریم می فرماید: ﴿وَإِنَّكُمْ فِيمَا أَنْتُمْ كَعَمَّا أَخْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ وَلَا تَبْغُونَ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ﴾؛ و در آن چه خدا به تو داده سرای آخرت را جستجو کن، {در عین حال} بهرهات را از دنیا فراموش نکن. و همان‌گونه که خدا به تو نیکی کرده است، نیکی کن و هرگز فساد در زمین منما، که خدا مفسدان را دوست ندارد (قصص/۷۷).

قرآن انسان‌ها را مورد خطاب قرار داده و می فرماید: بهره دنیای خود را در طاعت پروردگار فراموش نکنید، همان‌طور که خداوند به شما احسان و نیکی فرموده، شما نیز به مردم احسان و نیکی نمایید و در روی زمین فتنه‌انگیزی را شعار خود قرار ندهید؛ همانا خداوند شخص فتنه‌جو و آشوب طلب را دوست ندارد (بیروجردی، ۱۳۶۶: ۵/۱۹۴).

امام علی علیه السلام در توضیح (و لا تَسْنَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا) می فرماید: «لَا تَسْنَ صِحَّتَكَ وَ قُوَّتَكَ وَ فَرَاغَكَ وَ شَبَابَكَ وَ نَشَاطَكَ أَنْ تَطْلُبَ بِهَا الْآخِرَةَ»؛ از صحت و سلامتی و قدرت جوانی و فراغت خود حداکثر استفاده را برای تحصیل فیوضات اخروی بنمایید.

ثروت برخلاف پندار بعضی از کج‌اندیشان، چیز بدی نیست، مهم آن است که بینیم در چه مسیری به کار می‌افتد. قارون کسی بود که با داشتن آن اموال عظیم، قدرت کارهای خیر اجتماعی فراوان داشت؛ ولی چه سود که غرورش اجازه دیدن حقایق را به او نداد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۶/۱۵۵). این‌همان منطقی است که در جمله معروف امیر مؤمنان علیه السلام درباره دنیا به روشی از آن یاد شده است. «أَبْصَرَ بِهَا بَصَرَهُ وَ مَنْ أَبْصَرَ إِلَيْهَا أَعْمَهُ»؛ کسی که به دنیا به عنوان یک وسیله بنگرد، چشمش را بینا می‌کند، و کسی که به عنوان یک هدف به آن نگاه کند، نایبینایش خواهد کرد (خطبه/۸۲).

صرفًا خواستن سعادت دنیا، دیدن جهان هستی به صورت تک بعدی است و عاقبت جامعه قارونی می‌گردد، و لیکن با داشتن ثروت و بهره‌گیری از لذت‌های دنیوی نیز می‌شود در صورت نداشتن جاه‌طلبی و غرور به هدفی والاتر، یعنی سعادت آخرت دست یافت. از این رو، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های هدف در مدیریت توجه به تأمین سعادت دنیا و آخرت است.

۳-۱-۲- تأمین خدمات عمومی

۱۷۳

مسئولیت عالیه حکومت این است که هدایت و تعالی مرمد را تأمین و تسريع کند و ادای این مسئولیت، زمانی ممکن است که مسئولیت‌های حکومت نسبت به تن مردم تأمین شده باشد. مسئولیت‌های اولیه به صورت تأمین خدمات عمومی ادا می‌شود؛ هر حکومتی نخست باید نان، مسکن، راه، سواد و امنیت برای مردم تهیه کند و آنان را در رفع نیازهای طبیعی و مادی خودشان باری دهد.

در صدر این خدمات، تشکیل دادگاه‌ها جهت دفع تعدیات مجرمان داخلی، تشکیل سپاه جهت دفاع ملی و دفع تجاوز بیگانگان قرار می‌گیرد. بهمین دلیل، خداوند وقتی به داود^{علیه السلام} دستور تشکیل حکومت می‌دهد از انجام خدمات عمومی، قضاؤت و مجازات متعدیان داخلی یاد می‌کند. چنان که می‌فرماید: (يَا دَأْوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُمْ بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهُوَى فَيُضِلُّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ؛ ای داود ما تو را خلیفه در زمین قرار دادیم، در میان مردم به حق داوری کن، و از هوای نفس پیروی مکن که تو را از راه خدا منحرف می‌سازد، کسانی که از راه خدا گمراه شوند عذاب شدیدی به خاطر فراموش کردن روز حساب دارند) (ص ۲۶).

«فَاحْكُمْ بَيْنَ النَّاسِ» دلالت بر این دارد که در جامعه، حاکمی است که باید بین مردم بر اساس حق حکم کند. امر به حکم حق، یعنی در کلیه امورات از جمله: مصاحبت، معاشرت، مشارکت و مجالست به میزان راستی و درستی نسبت به مردم رفتار کند(حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۱۱/۱۹۱). برای هدایت مردم و سعادت آنان مدیر حکومت اول باید حقوق آنان را تأمین کند و به معنای واقعی تأمین خدمات عموم مردم را عهدهدار شود؛ زیرا توجه به نیازهای اولیه جامعه انسانی از سوی حاکم، قلب و روح مردم را با وی همراه می‌کند و پذیرش هدایت را آسان‌تر می‌نماید.

حاکم الهی همچون حضرت داود با انجام این ضروریات مقام خلافت الهی خود را به فعلیت می‌رساند و مردم را برای مأموریت اصلی خود که هدایت آنان است در جهت رضایت خداوند آماده می‌کند.

۲-۲- نگرش قرآنی به مدیریت

«نگرش» به معنای نگاه کردن، دیدن، نظر و نگاه است (دهخدا، ۱۳۸۵: ۳۰۳۶/۲). یک روش نسبتاً ثابت در فکر، احساس و رفتار نسبت به افراد، گروه‌ها و موضوع‌های اجتماعی یا قدری وسیع‌تر، هرگونه حادثه‌ای در محیط فرد است (ترکان، کجبا، ۱۳۸۷: ۴۹-۵۰). یکی از مهم‌ترین مواردی که موجب تغییر در حکومت انقلابی می‌شود، تغییر نگرش در مدیریت است؛ نگرش‌ها در گاهی موقع غیر قرآنی است و محصول تجربه انسان، فشار قدرت‌ها، فرهنگ بومی و... است؛ اما در این‌جا منظور فقط نگرش‌های قرآنی است. لذا نگرش قرآنی به مدیریت در گروه ویژگی‌هایی است که باید یک مدیر آنرا دارا باشد. این ویژگی‌ها عبارتند از:

۲-۲-۱- تقوا پیشگی

«تقوا» عبارت است از: قرار دادن نفس در حفاظت، در برایر امور هراس انجیز(راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۸۳)، سفید و سیاه بودن، زشت و زیبا بودن خصوصیات ذاتی فرد است و وی تلاشی برای آن‌ها نکرده، ولی تقوا مزیتی حقیقی برای بشر است که خود او آنرا کسب می‌کند. خداوند در قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَتَقْوَا اللَّهَ حَقَّ تَقْاَتِيهِ وَ لَا تَمُوتُنَ إِلَّا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید آن‌گونه که حق تقوا و پرهیزگاری است، از خدا پرهیزید! و از دنیا نروید، مگر این که مسلمان باشید (آل عمران/۱۰۲).

در این آیه، نخست دعوت به تقوا شده است تا مقدمه‌ای برای دعوت به سوی اتحاد باشد، در حقیقت دعوت به اتحاد بدون استمداد از یک ریشه اخلاقی، بی‌اثر و یا بسیار کم اثر است. بهمین دلیل در این آیه کوشش شده است تا عوامل ایجاد کننده اختلاف در پرتو ایمان و تقوا تضعیف گرددند(مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۷/۳).

حق تقوا همان اسلام خالص است و اسلام خالص آن است که انسان در عقیده و اخلاق و عمل، دین خالص را حفظ کند. تقواهی که لقاء الله و شهود را به همراه دارد، هدف نهایی است. نیل به این هدف با رعایت عظمت و جلال الهی مقدور همگان نیست، ولی هر کس به اندازه طاقت خود این راه را می‌پیماید و به مقصد نسبی

می‌رسد. اگر انسان در حد توان خویش به تکالیف الهی ملتزم باشد و به مقدار وسع خود در تهذیب نفس و تزکیه روح بکوشد به حق تقوا رسیده است (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۵/۱۹۷). حقیقت ثابت و پیوسته جهان و انسان، همین حرکت جوهری و ارادی به سوی حق و کمال مطلق است و جز آن همه چیز نمودارها و نمایش‌ها و در مسیر آن است (طلالقانی، ۱۳۵۸: ۳/۲۵۴).

از این‌رو، انتخاب مدیریت حکومت باید بر پایه تقوا باشد نه خصوصیاتی که خود او در ایجادشان نقش داشته است. در این‌باره خداوند در قرآن می‌فرماید: «**يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا حَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارُفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَنْتَنَا كُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَمِيرٌ**»؛ ای مردم ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم، و تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم، تا یک‌دیگر را بشناسیم، ولی گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شمامست، خداوند دانا و خبیر است (حجرات/۱۳).

آیه درباره «ثبتت بن قیس» نازل شده و عده‌ای هم گفته‌اند درباره «بلال» نازل شده است. پیغمبر اکرم ﷺ زمانی که مکه را فتح نمود به بلال دستور داد اذان بگوید؛ صدا را که به اذان بلند کرد «عتاب بن اسید» گفت: «الحمد لله که پدرم زنده نیست که این سیاهرا بییند» و «حارث بن هشام» گفت: «محمد جز این کلاغ سیاهرا نیافت تا مؤذن خود کند». آیه فوق نازل شد. پیامبر ﷺ فرمود: «ای مردم خداوند به صورت‌ها و مال‌های شما نظر نمی‌کند؛ بلکه نظرش به دل‌هاست که کدام پرهیز‌گارند» (بروجردی، ۱۳۶۶: ۵/۴۰۵-۴۰۶؛ حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۱۲/۱۹۹).

پیامبر ﷺ درباره سلمان می‌فرماید: «مردم از زمان آدم ﷺ تا زمان ما مثل دندانه شانه هستند، فضیلتی نیست نه برای عرب و عجم و نه سرخ پوست بر سیاه پوست مگر به تقوا، سلمان دریابی از علم که خشک نگردد، و گنجی است از دانش که تمام نشود، سلمان از ما اهل بیت است» (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۱۲/۲۰۱).

نزد خدا آن‌چه ارزش دارد، تقوا پیشگی است. مردم از این جهت که مردم‌اند همه با هم برابرند، و کسی بر دیگری برتری ندارد. و اختلافی که در خلق آنان دیده می‌شود این است که قبیله قبیله هستند؛ و تنها به این منظور به وجود آمده که یک‌دیگر را بشناسند، تا اجتماعی که در بین‌شان منعقد شده، پذیرد و ائتلاف در بین‌شان تمام

گردد، چون اگر شناسایی نباشد، نه حرفی از تعاون است و نه ائتلاف، پس غرض از اختلافی که در بشر قرار داده شده این است، نه این که به یک دیگر تفاخر کنند(طباطبائی، ۱۳۹۰: ۱۸/ ۳۲۷).

انسان‌ها هیچ کدام بر دیگری برتری ندارند و یکسانی آنان طبق سخن پیامبر ﷺ همانند دندانه‌های شانه است؛ مگر کسی که باتفاقات باشد. از این‌رو، مهم‌ترین ویژگی که در انتخاب مدیر یک جامعه باید مد نظر باشد، تقوا است. کسی که در رأس حکومت است، اگر تقوا داشته باشد و نفس خود را از هوا و هوس حفظ نماید جامعه به مسیر درست و الهی رهنمون خواهد شد.

۲-۲-۲- علم و تخصص

علم و تخصص، دو صفت پسندیده‌ای است که فرد پس از کسب آن می‌تواند با مدیریت صحیح حکومت انقلابی را به سرمنزل مقصود هدایت کند. اما متاسفانه ثروت بیش از امور دیگر مورد توجه قرار می‌گیرد. چنان‌که در داستان‌های پیامبران الهی آمده است: بنی اسرائیل پس از حضرت موسی ﷺ از امر پروردگار خود طبیان کردند. خداوند «جالوت» را که از پادشاهان قبط بود بر آن‌ها مسلط کرد و آن‌ها به سوی پیغمبر خود پناه بردن و گفتند: «از خداوند بخواه که پادشاهی برای ما برانگیزد تا با کافران مقاتله کنیم»(مجلسی، ۱۳۷۵: ۲/ ۸۸۳). خداوند در این رابطه می‌فرماید: **﴿أَلْمَّ تَرَ إِلَى الْمَلِإِ مِنْ يَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى إِذْ قَالُوا لِنَبِيٍّ لَهُمْ أَبْعَثْ لَنَا مَلِكًا نَقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ قَالَ هَلْ عَسِيْمُ إِنْ كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ أَلَا تُقَاتِلُوا فَالْوَارَ وَ مَا لَنَا أَلَا نَقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ قَدْ أُخْرِجْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَ أَبْنَائِنَا فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ تَوَلَّوْا إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ وَ اللَّهُ عَلَيْمٌ بِالظَّالِمِينَ﴾**: آیا مشاهده نکرده جمعی از بنی اسرائیل را بعد از موسی، که به پیامبر خود گفتند: زمام‌دار برای ما انتخاب کن، تا در راه خدا پیکار کنیم. پیامبر آن‌ها گفت: شاید اگر دستور پیکار به شما داده شود، در راه خدا، جهاد و پیکار نکنید. گفتند: چگونه ممکن است در راه خدا پیکار نکنیم، در حالی که از خانه‌ها و فرزندانمان رانده شده‌ایم، اما هنگامی که دستور پیکار به آن‌ها داده شد، جز عده کمی از آنان، همه سرپیچی کردند و خداوند از ستم کاران، آگاه است (بقره/ ۲۴۶). خداوند

طالوت را که از لحاظ علم و قدرت سرآمد جامعه خود بود برای پیامبری برگزید، ولی چون از لحاظ ثروت و منصب جایگاه ویژه‌ای در جامعه خود نداشت، پادشاهی وی مورد مخالفت شدید سران بنی اسرائیل قرار گرفت. برخلاف تصور متوفین که ثروت را ملاک برتری می‌دانستند، قرآن کریم ملاک مدیریت الهی و انقلابی را فرونی در علم و قدرت جسمانی برشمرده است. چنان که می‌فرماید: ﴿وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحْقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ أَصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَنْ يَشاءُ وَاللَّهُ واسِعٌ عَلِيهِمْ﴾؛ و پیامبران به آن‌ها گفت: خداوند (طالوت) را برای زمامداری شما مبعوث کرده است، گفتند: چگونه او بر ما حکومت کند، با این که ما از او شایسته‌تریم و او ثروت زیادی ندارد؟ گفت: خدا او را بر شما برگزیده، و او را در علم و جسم، وسعت بخشیده است. خداوند، ملکش را به هر کس بخواهد، می‌بخشد و خداوند وسیع و آگاه است (بقره / ۲۴۷).

بنابراین اعتراض آنان به دو جهت بوده است: نبودن طالوت از طبقه اشراف و دوم نداشتن مال و ثروت (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۶: ۲/ ۱۷۹). خداوند شرط پادشاهی را کشرت علم می‌داند تا به وسیله آن بر معرفت سیاست ممکن شود. و نیز قوی بودن جسم که در مقاومت مکاید جنگ اقوی باشد، و این هر دو صفت را خدا به طالوت عطا نموده است (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۱/ ۴۰). با نیروی علمی و درک صحیح در همه‌امور و حوادث می‌اندیشد و مصالح و راه‌ها را تشخیص می‌دهد و با نیروی بدنی آن‌چه را تصمیم می‌گیرد، اجرا می‌نماید (طالقانی، ۱۳۵۰: ۲/ ۱۸۱). از ظاهر آیه، چنین بر می‌آید که منظور از علم می‌تواند آگاهی او از دیانت‌های مختلف و دیگر امور باشد. برخی از مفسران گفته‌اند: «چنین علمی به او وحی شد و آنرا از آسمان به او ارزانی داشتند، چرا که فرمانروایی راستین فقط از دانایان بر می‌آید و افراد نادان قدری ندارند و برای جامعه سودمند نیستند» (زمخشی، ۱۴۰۷: ۱/ ۲۹۲).

طبق سخن صریح خداوند (بقره / ۲۴۷: نمل / ۱۵) یکی از ویژگی‌هایی که مدیر حکومت باید داشته باشد، علم و تخصص است. اگر مدیر از قدرت فکری بالایی برخوردار باشد

بحران‌های جامعه را به بهترین شکل حل می‌کند و در برابر دشمنان داخلی و خارجی تن به ذلت نمی‌دهد.

۱۷۸

۳-۲-۲- ظلم‌ستیزی و عدالت‌پیشگی

اگر حاکم به مردم ظلم کند، نظام جامعه به هم می‌ریزد. ظلم حاکم موجب نابودی نظام صالح جامعه و بروز ظلم و ستم در تک تک ارکان جامعه می‌شود. عدم ظلم یکی از معیارهای قرآن برای مدیریت حکومت افلاطی است تا جلوی بروز هرگونه ستم و از هم گسیختگی در جامعه را بگیرد. خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَنَهْيِ عنِ الْفُحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ...﴾؛ خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می‌دهد و از فحشا و منکر و ستم، نهی می‌کند (نحل / ۹۰).

مراد از عدل آن است که در روابط اجتماعی همیشه عدالت و انصاف را پیشة خود سازیم، احسان آن است که آن‌چه می‌توانیم نسبت به دیگران نیکی کنیم (قرشی، ۱۳۷۰: ۱۵) (۴۹۲). شاید بتوان گفت که این آیه، جامع‌ترین آیه درباره اصلاح جامعه بشری و ایجاد یک جامعه سالم براساس حاکمیت ارزش‌های اخلاقی بوده است و اگر به عنوان یک قانون مورد عمل قرار گیرد، در اصلاح ساختارهای فردی و گروهی و تنظیم درست روابط اجتماعی نقش تعیین کننده‌ای خواهد داشت. طبق این آیه، خداوند مردم را به سه چیز فرمان می‌دهد؛ عدل، احسان و دادن حق خویشاوندان. همان‌گونه که حکومت باید با مردم براساس عدل رفتار کند، مردم نیز باید در روابط خود با یک دیگر مطابق با عدل و انصاف عمل کنند و اگر جامعه را به یک هرم تشییه کنیم، عدل هم در رأس و هم در قاعده آن حاکمیت داشته باشد (جعفری، ۱۳۸۱: ۲۰۲/۶).

خداوند یکی از اهداف ارسال رسائل را برقراری عدل می‌داند: ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا إِلَيْنَاٰتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾؛ ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند (حیدری، ۲۵).

غرض از ارسال رسائل این است که مردم را قیام به قسط و عدل کنند نه چیزی در

دین زیاد کنند و نه چیزی از دین کم کنند، نه حق کسی را از بین ببرند و نه حق خود را تضییع کنند و سرانجام در کلیه‌امور صراط مستقیم را رها نکنند (طیب، ۱۳۷۸: ۱۲ / ۴۴۰). نلسون ماندلا که بزرگ‌ترین هدف وی، برقراری دموکراسی پارلمانی در آفریقای جنوبی بود تنها یک اصل را مبنای خود قرار داده؛ حقوق مساوی برای همگان؛ صرف نظر از نژاد، طبقه و جنسیت (استنگل، ۹۳، ۱۳۹۴).

لذا مدیر صالح کسی است که در تمام امور عدالت را در نظر بگیرد و با ظلم و ستم مبارزه کند. وی در وهله اول برقراری عدل و قسطرا در راستای برنامه‌هایش قرار می‌دهد و نمی‌گذارد حق هیچ‌کس پایمال گردد. انسان‌ها در یک حکومت، وقتی عدالت رهبران و مدیران خود را می‌ینند احساس رضایت و آرامش کرده و مطمئن هستند که در جامعه کسی هست که از حق آنان دفاع می‌نماید و نتیجه‌آن چیزی جز پیشرفت حکومت نیست. اگر هم بحران و مشکلی پیش بیاید مردم با جان و دلشان از کشورشان دفاع خواهند کرد، نظیر آن‌چه در ۸ سال دفاع مقدس دیدیم. امام خمینی ره اسوه عدالت‌پیشگی و مبارزه با ظلم و ستم بودند و چه بسیار کسانی که به‌خاطر امام از جان و مالشان گذشتند.

۴-۲-۲ - امانت‌داری

مدیر حکومت باید فردی امین و حافظ اسرار حکومت باشد، هرگونه عدم امانت‌داری در اسرار سیاسی، نظامی و اجتماعی حکومت منجر به آسیب اساسی به مملکت می‌گردد. خداوند در قرآن می‌فرماید: «**فَالْتُّحِدُوا مَعَنِّا يَا أَبْتَ اسْتَأْجِرُوهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجِرَتِ الْقُوَىُ الْأَمِينُ**»؛ یکی از آن دو گفت: پدرم او را استخدام کن، چرا که بهترین کسی را که استخدام می‌توانی کنی آن کس است که قوی و امین باشد (قصص/ ۲۶).

اساسی‌ترین شرط در استخدام یک انسان برای کار، نیرومندی و پاکی است و به اصطلاح، قوه و امانت‌داری است و با فقدان شرط امانت، تخصص‌ها فاجعه آفرین است (سبحانی، ۱۳۸۲: ۵۲ / ۱۲). زیرا موجب خیانت و در نهایت شکست می‌گردد. امام رضا علیه السلام در رابطه با علت اعتماد حضرت شعیب علیه السلام به حضرت موسی علیه السلام برای استخدام وی فرمود: «حضرت شعیب از دخترش پرسید: چگونه امانت‌داری این جوان را

فهمیدی که او را امین می‌خوانی؟ گفت: وقتی دعوت شما را به او ابلاغ کردم، به من گفت: از پشت سر من، مرا راهنمایی کن» (مجلسی، ۱۳۷۴: ۱۳/۴۴). توانایی‌ها و امانت‌داری‌ها را باید در شرایط عادی و بدون توجه طرف احراز کرد. حضرت موسی علیه السلام در یک صحنهٔ طبیعی با یک کار حمایتی و برخورد عفیفانهٔ امانت‌داری خود را نشان داد (قرائتی، ۱۳۸۳: ۹/۴۱).

امیر المؤمنین علیه السلام خطاب به یکی از کارگزارانش می‌فرماید: «پست و مقامی که در دست تو افتاده است، طعمه‌ای در چنگ تو نیست؛ بلکه اماتی است که بر گردنست سنگینی می‌کند» (نامه ۵/۵). یکی از چیزهایی که باید مد نظر مدیریت حکومت انقلابی باشد، امانت‌داری است؛ مدیر جامعه نه تنها خود باید امین باشد، بلکه ملاک گزینش کارگزارانش نیز باید این باشد. همان‌طور که برای استخدام در یک شغل معمولی نیاز به اعتماد و امانت‌داری است در مسائل حکومتی این ویژگی بسیار حساس‌تر و کلیدی‌تر است تا حدی که آینده و امنیت کشور به این مهم بستگی دارد.

۵-۲-۲- مردمی بودن

رهبری موفق است که از خود مردم، در میان مردم و هم زبان آنان باشد. خداوند می‌فرماید: «**كَمَا أَرْسَلْنَا فِيْكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ...**»؛ رسولی از خودتان در میان شما فرستادیم (بقره ۱۵۱).

کلمه «منکم» ممکن است اشاره به این معنی باشد که او از نوع بشر است و تنها بشر می‌تواند مربی و رهبر انسان‌ها گردد و از نیازها و مسائل او آگاه باشد که این خود نعمت بزرگی است. ممکن است منظور این باشد که او از نژاد شما و هموطن شما است، زیرا عرب‌های جاهل بر اثر تعصب شدید نژادی، ممکن نبود زیر بار پیامبری از غیر نژاد خود بروند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۱-۵۱). تمام انبیاء، زندگی مردمی داشتند و اگر آنان زندگی مرقه، کاخ و طلا داشتند مردم به خاطر دنیاطلبی گرد آن‌ها جمع می‌شدند خداوند می‌فرماید: «**وَ مَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا إِنَّهُمْ لَيَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَ يَمْسُوْنَ فِي الْأَسْوَاقِ...**»؛ ما هیچ یک از رسولان را پیش از تو نفرستادیم مگر این که غذا می‌خوردند و در بازارها راه می‌رفتند (فرقان ۲۰).

این آیه در پاسخ به بهانه‌های مشرکین است که می‌گفتند چرا محمد ﷺ غذا می‌خورد و راه می‌رود؟ در حالی که خدا بیان می‌کند، انبیاء از جنس مردم‌اند و هدف الهی جز این نبوده است.

اگر مدیر حکومت از جنس مردم باشد، مردمرا درک کرده و درد آن‌ها را درد خودش می‌داند. و مردم خود را جدا از دولت نمی‌دانند و در تمام اعصار حامی و پشتیبان دولت خواهند بود؛ چنان‌که در برابر تحریم‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی پا به پای دولت ایستادگی می‌کنند.

۳-۲- روش مدیریتی صحیح

به مجموعه طرقی که انسان را به کشف مجھولات، هدایت می‌کند. و یا در تعریف دیگر مجموعه قواعدی که هنگام بررسی و پژوهش به کار می‌روند؛ «روش» می‌گویند. و از ابزاری است که انسان را به هدف می‌رساند (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۲۴/۱). برای نیل به اهداف در مدیریت حکومت انقلابی، نیاز به روش شناسی و انتخاب روش اصلاح وجود دارد، برای انتخاب بهترین روش مدیریت، طبق کلام نورانی وحی، باید نکاتی را مد نظر قرار داد که عبارتند از:

۱-۳-۲- استفاده از تمام امکانات

از آنجا که تاریخ تکرارپذیر است، اگر حکومتی با هدف الهی تشکیل گردد و هرگونه ذلت را رد کند مورد تعرض دشمنان قرار خواهد گرفت، پس تشکیل حکومت انقلابی نیز دچار همین معضل خواهد گردید. هم‌چنان که تجربه انقلاب اسلامی نیز این مسأله را بر ما ثابت کرده است. از این‌رو، مدیریت حکومت انقلابی از همان ابتدای تشکیل حکومت نیاز به استفاده از تمام امکانات و وسائل جامعه دارد، تا بتواند از ایدئولوژی و خاک و ناموش محافظت نماید. خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿وَأَعْدُوا لَهُمْ مَا أَسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْجَيْلِ تُزْهِبُونَ بِوَعْدِ اللَّهِ وَعَدُوكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنَقِّلُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنَّمُمْ لَا تُظْلَمُونَ﴾؛ در برابر آن‌ها آن‌چه توانایی دارید از نیرو آماده سازید، اسب‌های ورزیده، تا به وسیله آن دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید و گروه دیگری غیر از این‌ها را

که شما نمی‌شناشید و خدا می‌شناسد و هر چه در راه خدا انفاق کنید. به شما باز گردانده می‌شود و به شما ستم نخواهد شد (انفال / ۶۰).

ایمان به خدا و قوی بودن روحیه، نقش تعیین کننده‌ای در جنگ مسلمانان با کفار داشت؛ ولی باید نقش ابزارهای جنگی و سلاح‌های روز را در پیروزی بر دشمن نادیده گرفت. از این جهت است که قرآن کریم از یک طرف مسلمانان را به استواری و صبر و استقامت و توکل به خدا در میدان جنگ می‌خواند، و از سوی دیگر آن‌ها را به مسلح شدن به سلاح‌های روز دعوت می‌کند(جعفری، ۱۳۷۷: ۴/ ۳۹۴). کلام نورانی وحی که می‌فرماید: ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا أَسْتَطَعْنُ﴾ به روشنی بیان گر این امر است که برای غلبه بر دشمن باید از تمام امکانات و نیروی خود استفاده کرد.

از این‌رو، مدیر حکومت الهی باید امکانات دفاعی را تدارک بیند تا به وسیله آن دشمن خدا و دشمن خود را ترسانیده و از آنان زهر چشم گرفته باشد، چون هدف حقیقی از تهیه نیرو این است که به قدر توانایی‌شان بتوانند دشمن را دفع کنند و مجتمع خود را از دشمنی که جان و مال و ناموسشان را تهدید می‌کند، حفظ نمایند(طباطبائی، ۱۳۶۶: ۹/ ۱۱۵-۱۱۴). با توجه به مفاهیم مذکور برای حفظ حکومت انتقام‌گیری نیاز به توجه خاص مدیریت جامعه به امور نظامی است. حکومتی که دچار انقلاب و تغییر اساسی در نظام جامعه شده است، مسلماً دارای دشمنان داخلی و خارجی است که به این جامعه انقلابی نویا، دشمنی و عناد می‌ورزند. بنابراین برای حفظ حکومت نیاز به استفاده تمام عیار از اسباب جنگی و نیروی نظامی است. هم‌چنان که مشابه این مطلب را در حکومت انقلابی ایران در هشت سال دفاع مقدس شاهد بودیم.

۲-۳-۲- مشورت با مردم

«استبداد به رأى»، «خودمحورى» و «مشورت نکردن با دیگران» در مسائل مهم زندگى از عواملی است که بیشتر ناکامی‌ها از آن ناشی می‌شود. انسان در همه دوره‌های زندگی اش وقتی بر سر دو راهی قرار می‌گیرد، سخت به یاری دیگران نیازمند است. در قرآن کریم خداوند نیز به اهمیت این مسئله اشاره نموده و می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ﴾؛ و

کسانی که دعوت پروردگارشان را اجابت کرده و نماز را بربا می‌دارند و کارهایشان به صورت مشورت در میان آن‌هاست و از آن‌چه به آن‌ها روزی داده‌ایم اتفاق می‌کند (شوری / ۳۸).

اصل «شوری» از مهم‌ترین مسائل اجتماعی است که بدون آن همه‌کارها ناقص است، یک انسان هر قدر از نظر فکری نیرومند باشد، نسبت به مسائل مختلف تنها از یک یا چند بعد می‌نگرد، و لذا ابعاد دیگر بر او مجهول می‌ماند؛ اما هنگامی که مسائل در شوری مطرح گردد و تجارب و دیدگاه‌های مختلف به کمک هم بستابند، مسائل کاملاً پخته و کم عیب می‌گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۰ / ۴۶۲). پیغمبر اکرم ﷺ می‌فرماید: هیچ بنده‌ای بر اثر مشورت شقی نشد، و بر اثر استبداد رأی خود سعید نشد، و آن که مشورت کند پشیمان نشود و زیان نبیند هر کس استخاره کند و پیذیرد فرموده خداوند و پیغمبر و امام را و در احتیاجات خود به فرموده‌های ایشان مراجعه نماید (بیوچردنی، ۱۳۶۶: ۲۱۷ / ۶).

در جهان امروز نیز شرط بقای هر حکومتی رضایت آحاد جامعه است؛ حتی اگر مدیر صلاح مردم جامعه را بخواهد و آن‌ها برداشت درستی نداشته باشند. برای تمدید وحدت جامعه نیاز به مشورت با مردم برای انجام امور است. مشورت مانع حсадت دیگران است و اگر با مشورت کامیاب شویم، چون دیگران رشد ما را در اثر فکر خودشان می‌دانند نسبت به ما حсадت نمی‌ورزند (قرآنی، ۱۳۸۳: ۱۰ / ۴۱۳). اگر مدیر حکومتی با عالمان جامعه مشورت نماید و سپس حکم کند، آن‌ها را در شکست و پیروزی خود سهیم نموده و مانع دشمنی میان ارکان جامعه می‌گردد. خداوند در قرآن می‌فرماید: **﴿فِيمَا رَحْمَةٌ مِّنَ اللَّهِ إِلَّا نَتَّلَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَا نَفْضُوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَرَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ﴾**؛ به رحمت الهی، در برابر آنها نرم (و مهربان شدی) و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو پراکنده می‌شدند. پس آنها را بیخش و برای آنها آمرزش بطلب و در کارها، با آنها مشورت کن اما هنگامی که تصمیم گرفتی، بر خدا توکل کن زیرا خداوند متوكلان را دوست دارد (آل عمران / ۱۵۹).

در قرآن کریم خداوند به رسول معصوم خود، دستور مشورت و مدارا می‌دهد. از

این رو، مدیر الهی و انقلابی به علت نداشتن مقام عصمت، نیاز به مشورت بیشتری برای حفظ و بقای حکومت دارد. البته مشورت کردن حدودی دارد که امام صادق علیه السلام در این رابطه می فرماید: باید با کسی مشورت نمود که: ۱. عاقل باشد. ۲. حزب و متدين باشد. ۳. صدیق با اخوت باشد. ۴. مطلع بر سو باشد. پس وقتی عاقل باشد، از مشورت با او منتفع شوی، و زمانی که حزب و متدين شد، جهد کند به نفس خود در نصیحت و چون صدیق مواخی شد، کتمان سرّ نماید؛ و زمانی که او را مطلع از سرّ نمودی، علم او به آن سرّ مانند علم تو باشد (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۲۸۶-۲۸۵).

بنابراین، رأی نهایی از آن رهبر انتخاب شده‌ای است که در راه استنباط خود از ارزش‌های دین اجتهاد می کند؛ ولی در اظهار رأی شتاب نمی‌ورزد، بلکه تلاش می کند از طریق مشورت با مردان صاحب نظر بدان برسد (ملرنسی، ۱۳۷۸: ۱۲/۳۶۷). برای مقابله با معضلات جامعه و پیروزی بر دشمنان، مشورت با سایر ارکان حکومت راه گشا است. با مشورت کردن می توان بهترین راه را انتخاب کرد. نتیجه‌ای هم که حاصل می شود محصول هم فکری تمام افراد است و مطمئناً پیروزی برای آنها خواهد بود و اگر هم شکست بخورند یک دیگر را سرزنش نخواهند کرد. چون همه در آن مشارکت داشته‌اند.

۲-۳-۳- برخورد ملایم حتی با دشمنان

رفتار سیاسی درست و اسلامی صرفاً مبارزه با مخالفان نیست، گاهی باید برای حفظ مصالح جامعه با آن‌ها مدارا نمود و چه بسا این مدارا سبب ایجاد ارتباط بهتر با سایر ملل گردد و زمینه اصلاح و هدایت آنان را فراهم کند. خداوند در قرآن می فرماید: «**فَقُولَا لَهُ فَقُولاً لَيْتَا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَحْسَنِي**»؛ اما به نرمی با او سخن بگویید شاید متذکر شود یا بترسد (طه/۴۴).

خداوند حضرت موسی علیه السلام را به سوی فرعون فرستاد و فرمود: «**فَقُولَا لَهُ فَقُولاً لَيْتَا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَحْسَنِي**» در صورتی که خدا می دانست فرعون پنداپذیر نیست و متذکر نخواهد شد و لیکن کلمات فوق را آنچنان ابلاغ فرمود تا محرک و مشوق موسی علیه السلام برای ادای رسالت و اتمام حجت باشد (بروجردی، ۱۳۶۶: ۴/۲۸۹؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۷؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۲۴، ۳۵۲).

مراد از این که خداوند به حضرت موسی علیه السلام فرمود «قولا لینا» این است که در گفتگو با فرعون از تندی و خشونت خودداری کند؛ که همین خویشن داری، از تندی واجب‌ترین آداب دعوت است.

رسول اکرم صلوات الله علیه و سلام می‌فرماید: «إِنَّ الْأَنْبِيَاءَ إِنَّمَا فَصَّلَهُمُ اللَّهُ عَلَىٰ خَلْقِهِ بِشَدَّةٍ مُّدَارِّاتِهِمْ لِأَعْدَاءِ دِينِ اللَّهِ وَ حُسْنِ تَقْيِيمِهِمْ لِأَجْلِ إِخْرَانِهِمْ فِي الدِّينِ»؛ خداوند از این‌رو، پیامبران را بر دیگر مردمان برتری داد که با دشمنان دین خدا بسیار با مدارا رفتار می‌کردند و برای حفظ برادران هم کیش خود نیکو تقیه می‌کردند (مجلسی، ۱۳۷۴: ۷۲ / ۴۰۱).

گاهی اوقات برای پیش‌برد اهداف خود لازم است جنگ و دشمنی را کنار گذاشته و با دشمن برخورد ملایم داشته باشیم. طبق سیره انبیای الهی همیشه نباید شمشیر به دست و آمده جنگیدن با دشمنان بود، گاهی لازم است با برخورد ملایم و صحیح اختلافات را حل کرد. یک مدیر موفق در حکومت باید شرایط را بسنجد اگر تنها راه حل، جنگیدن بود با مشورت کردن بهترین راه مقابله را برگزیند؛ اما اگر با صلح و برخورد مسالمت‌آمیز مشکلات قابل حل بود جنگیدن روش درستی نخواهد بود. نلسون ماندلا، نخستین رئیس جمهور آفریقای جنوبی، می‌گوید: «وقتی بر دشمن غلبه کردید، هرگز از شکست او اظهار خوشحالی نکنید. بزرگ‌ترین لحظه پیروزی برای شما لحظه‌ای است که احساس شفقت و مهربانی کنید. هرگز دشمن را تحقیر نکنید، بگذارید آبرویش حفظ شود... تنها در آن صورت است که توانسته‌اید دشمن را به دوست تبدیل کنید» (استنگل، ۱۳۹۴: ۱۳۱).

۴-۳-۲- استقلال و خوداتکائی

امام خمینی رض «فرهنگ مصرفی» را بزرگ‌ترین آفت یک انقلاب دانسته و بیان می‌کند برای استقلال بیشتر، باید ضمن برنامه‌ریزی صادرات تولیدات داخلی را رونق داد. وی، خوداتکائی را استفاده از نیروها و امکانات داخلی معرفی کرده و معتقد است که در این زمینه باید از تجارت عملی دیگران نیز استفاده نمود. امام رهبر به لحاظ نظری اصل «نه شرقی، نه غربی» را برای تحقق اصل استقلال در جامعه اسلامی مطرح ساخته و آن را مبنای برای اربابان ستم قرار داده است. این اصل به معنای عدم پذیرش

سلطه از هر نوع قدرتی است (هرسیج، اکبری و شیراوند، ۱۳۸۹: ۱۳۷-۱۳۸).

امام رهنما فرماید: «ما اگر توانستیم نظامی بر پایه‌های نه شرقی و نه غربی و اسلام منزه از ریا، خدעה و فریب را معرفی نماییم، انقلاب پیروز شده است» (خمینی، بی‌تا: ۱۴۳/۲۱).

به نظر می‌رسد، مبنای اصل «نه شرقی، نه غربی» قاعدة‌فقهی «نفی سبیل» است؛ زیرا وقتی امام رهنما شرق و غرب را معرفی می‌کند، صرفاً هدف عدم سرسپردگی به شوروی و آمریکا نبوده؛ بلکه منظور عدم سرسپردگی به ظلم و ستم و قدرت‌های زورگو در همه حال و در همه زمان‌ها است؛ حال این قدرت آمریکا باشد یا شوروی.

امام خمینی رهنما استناد به آیه‌ای از قرآن کریم شعار «نه شرقی نه غربی» را مطرح می‌نماید: «هرگز خداوند سلطه‌ای برای غیر مسلم بر مسلم قرار نداده است. هرگز نباید چنین چیزی واقع شود؛ یک تسلطی، یک راهی، حتی یک راه نباید پیدا کند. ﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِكُفَّارِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾ (خمینی، بی‌تا: ۳۱۷، ۴)، با توجه به این اصل، هر گونه رفتار و کردار و معامله اقتصادی و فرهنگی و... که باعث تسلط بیگانگان بر جامعه باشد، به شدت نفی شده است و این اصل همواره باید مورد توجه مدیر حکومت انقلابی باشد.

۲-۳-۵- تولی و تبری

حاکمان سیاسی در برخوردهای خود با گروه‌های گوناگون مردم باید برنامه‌ریزی مشخصی داشته باشند و اگر بخواهند با همه مردم به صورت یکسان برخورد کنند با مشکلاتی مواجه می‌شوند. در مدیریت باید اصل تولی و تبری را مبنای قرار داد؛ چرا که در بین مردم از یک سو افرادی هستند که دل‌سوز نظام حاکم بر جامعه هستند و از سوی دیگر، افرادی نیز وجود دارند که نظام حاکم بر جامعه را قبول ندارند. این دو گروه هر کدام برخورد خاصی را می‌طلبند و برخورد یکسان با این دو گروه امنیت سیاسی جامعه را تهدید می‌کند (همتیان، ۱۳۹۲: ۲۱۴-۲۱۳). خداوند در قرآن در توصیف پیامبر اکرم صلوات الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ الَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحْمَاءُ بَيْنُهُمْ»؛ پیامبر صلوات الله علیه و آله و سلم و آنان که در جبهه او قرار دارند، بر کافران سخت‌گیر و بین خودشان مهربانند... (فتح/ ۲۹).

امام ره در حکم تنفیذ ریاست جمهوری شهید رجایی و آیت الله خامنه‌ای به فرمان خداوند که مؤمنان را به رحمت و عطوفت در بین خود و شدت در مقابل کفار و مخالفان اسلام دعوت فرموده است، توصیه می‌کند. اصل تولی و تبری و جاذبه و دافعه، هر دو باید مورد لحاظ کارگزاران و شخص رئیس جمهور قرار گیرد و فراموشی کلی از این دو، از خطرهای عظیمی است که فراروی نظام اسلامی قرار دارد (جعفر پیشنهاد، ۱۳۹۰: ۲۰۱-۲۰۲). مدیر حکومت انقلابی باید در تمام اعصار با جدیت عمل کرده و از ملامت بدخواهان نهرآسد.

۳-۲-۶- محرومیت‌گرا و محرومیت‌زدایی

تأمین معاش زندگی و فشار هزینه‌ها بر طبقه محروم، بار مضاعفی است که اگر مورد توجه مسئولین قرار بگیرد و یک سانی سطح معیشتی رعایت شود از شدت آن می‌کاهد. قرآن کریم برای برقراری تعادل و توازن میان فقر و غنا در جامعه، به مؤمنان دستور داده از طریق اتفاق، سعی کنند شکاف طبقاتی را به حداقل برسانند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمُوا
أَنْفَقُوا مِنْ طَيِّبَاتٍ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ ...﴾؛ ای مؤمنان! از دستاوردهای پاکیزه خود و آن‌چه ما از زمین برای شما بر می‌آوریم بیخشید (بقره/۲۶۷) در این راستا خداوند در آیات فراوانی اتفاق را از اوصاف پرهیزگاران برشمرده (بقره/۳) و در آیاتی به تشویق اتفاق کنندگان پرداخته و به آن‌ها پاداش اخروی را بشارت داده (بقره/۲۷۴) است. امام علیؑ می‌فرماید: «خداوند متعال بر رهبران و امامان حق این گونه مقدار فرموده که زندگی خود را به مثل ضعیفان جامعه درآورند تا مبادا رنج فقر، فقیران را به طغیان اندازد» (خطبه/۲۰۹). نشست و برخاست با افراد مرفه جامعه موجب دلسردی قشر آسیب‌پذیر و بی‌توجهی به سختی‌های معیشتی آنان می‌شود. «عثمان بن حنیف» کارگزار امام علیؑ در بصره و تربیت شده‌دست رسول خدا^{علی‌الله‌آل‌هی‌و‌اصحاح} بود؛ اما امامؑ به خاطر حضور در مجلس ضیافت اشرف وی را توبیخ کرد و خطاب به او فرمود: گمان نداشتم که تو در مهمانی کسانی حضور یابی که فقیر و نیازمند راه ندهند و ثروتمندان را دعوت کنند پس درباره آن‌چه از این خوردنی‌ها به دهانت می‌گذاری بیندیش و هر چه را که در حلال بودنش شهه داری بیرون‌انداز و آن‌چه را

به پاکی راه به دست آوردن آن آگاهی داری استفاده کن (نامه ۴۵).

بیشتر انحرافات اخلاقی و اجتماعی و نابسامانی‌های کنوی به فقر و محرومیت خانواده‌ها برمی‌گردد. به همین خاطر مدیر حکومت انقلابی باید در وهله اول محرومیت‌گرا و مایه‌امید محرومان باشد؛ سپس طبق برنامه‌ریزی‌های صحیح افراد فقیر را به حداقل برساند و توازن در جامعه برقرار کند.

برای شخص فقیر، روحانیت به اقتصاد بستگی دارد؛ از هیچ‌راه دیگر نمی‌توانید در میلیون‌ها گرسنه اثری بگذارید. هر چیز دیگر برایش بی‌اهمیت و ناچیز است؛ اما اگر برای آن‌ها خوراک فراهم سازید، آن وقت شما را خدای خویش خواهند دانست. آن‌ها قادر نیستند به هیچ چیز دیگری بیندیشند (گاندی، ۱۳۶۱، ۲۴۷).

نتیجه‌گیری

قرآن صرفاً به شیوه اشاره مستقیم، چگونگی مدیریت حکومت انقلابی را مطرح نکرده؛ بلکه در قالب زندگی گذشتگان و سرنوشت جوامع مختلف بشری به مدیریت حکومت صحیح اشاره نموده است. به طور کلی، ویژگی‌های مدیریتی جامعه در قرآن کریم در سه بعد هدف، نگرش و روش مورد توجه است. از این‌رو، از مهم‌ترین ویژگی‌های بعد هدف گذاری، الهی بودن هدف، تأمین سعادت دنیا و آخرت و تأمین خدمات عمومی؛ و از اساسی‌ترین ویژگی‌ها در بعد نگرش، تقوا پیشگی، علم و تخصص، ظلم‌ستیزی و عدالت‌پیشگی، امانت‌داری و مردمی بودن؛ و از مهم‌ترین ایزارهایی که با در نظر گرفتن آن می‌توان با بهترین روش بر دشمن پیروز شد؛ استفاده از تمام امکانات، مشورت با بزرگان و افراد قابل اعتماد، برخورد ملایم حتی با دشمنان، استقلال و خوداتکایی، تولی و تبری و محرومیت‌گرا و محرومیت‌زدایی است. لذا از حکومت اسلامی و انقلابی انتظار می‌رود که در مسیر قرآن حرکت کند و لحظه‌ای از آن جدا نیفتد. باورمندی به آموزه‌های قرآنی و عمل کردن آن‌ها در جامعه باعث ایجاد جامعه‌ای سالم و دور از هرگونه تنش می‌شود؛ در این جامعه هم مردم احساس رضایت دارند و هم جامعه به سعادت رسیده و هرگز مغلوب دشمنان نخواهد شد.

کتاب‌نامه

۱۸۹

۱. قرآن کریم.
۲. استنگل، ریچارد، راه ماندلا، سیما رفیعی، تهران، عطایی، ج اول، ۱۳۹۴.
۳. افرام، فؤاد، فرهنگ ابجده، رضا مهیار، تهران، انتشارات اسلامی، ج دوم، ۱۳۷۹.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، معانی الأخبار، مصحح علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج اول، ۱۴۰۳.
۵. ابراهیمی، محمدحسین، مدیریت اسلامی، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ج دوم، ۱۳۷۹.
۶. بروجردی، سید محمد ابراهیم، تفسیر جامع، تهران، انتشارات صدر، ج ششم، ۱۳۶۹.
۷. پیشه‌فرد، جعفر، اندیشه‌های سیاسی پدر انقلاب اسلامی، اصفهان، حیات طیبه، ج اول، ۱۳۹۰.
۸. تقوی دامغانی، رضا، نگرشی بر مدیریت اسلامی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ج سوم، ۱۳۸۶.
۹. جعفری، یعقوب، تفسیر کوش، قم، هجرت، ج اول، ۱۳۷۶.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله، تسمیم تفسیر قرآن کریم، قم، اسراء، ج دوم، ۱۳۸۸.
۱۱. حاج سید جوادی، احمد رضا، بهاء الدین خرمشاهی و کامران فانی، دایرة المعارف تشیع، تهران، نشر شهید سعید محبی، ج سوم، ۱۳۷۵.
۱۲. حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل الیت، ج اول، ۱۴۰۹.
۱۳. حسینی دشتی، سید مصطفی، معارف و معارف، تهران، مؤسسه فرهنگی آرایه، ج سوم، ۱۳۷۹.
۱۴. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، تفسیر اثنا عشری، تهران، انتشارات میقات، ج اول، ۱۳۶۳.
۱۵. حسینی همدانی، سید محمد، تفسیر انوار درخشان، تهران، کتابفروشی لطفی، ج اول، ۱۴۰۴.
۱۶. خمینی، روح الله، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بی‌تا.
۱۷. دهدخدا، علی اکبر، فرهنگ متوسط دهدخدا، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ج اول، ۱۳۸۵.
۱۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، بیروت، دارالقلم، ج اول، ۱۴۱۲.
۱۹. زمخشیری، محمود بن عمر، الكشاف عن حقائق غواصین التنزيل و عيون الأقاويل في وجوه التأويل، لبنان - بیروت، دار الكتاب العربي، ج سوم، ۱۴۰۷.
۲۰. ساروخانی، باقر، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ج اول، ۱۳۷۵.
۲۱. سیدرضی، نهج البلاغه، سید جعفر شهیدی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ج بیست و هشتم، ۱۳۸۷.
۲۲. سیاح، احمد، فرهنگ دانشگاهی عربی به فارسی، تهران، فرحان، ج چهارم، ۱۳۷۹.
۲۳. طالقانی، سید محمود، پرتوی از قرآن، تهران، اتحاد، ج اول، ۱۳۵۰.
۲۴. طباطبائی، سید محمدحسین، طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، لبنان - بیروت، مؤسسه الأعلمی، ج دوم، ۱۳۹۰.
۲۵. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مصحح هاشم رسولی؛ فضل الله یزدی طباطبائی، تهران، ناصرخسرو، ج دوم، ۱۳۷۲.
۲۶. طیب، سید عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات اسلام، ج دوم، ۱۳۷۸.
۲۷. عصاره، علی، هدف زندگی از دیدگاه آیات و روایات، قم، مؤسسه بوستان کتاب، ج دوم، ۱۳۹۱.

۲۸. فایضی، علی، کاربرد اصول مدیریت در جوامع با جهت‌گیری اسلامی، تهران، انتشارات فطرت، چ اول، ۱۳۷۵.

۲۹. فرهنگ فرهیخته، شمس الدین، فرهنگ فرهیخته، تهران، انتشارات زرین، چ اول، ۱۳۷۷.

۳۰. فیروز آبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحيط، بیروت، دارالکتب العلمیه، چ اول، ۱۴۱۵.

۳۱. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چ ششم، ۱۳۸۳.

۳۲. قرقشی، علی اکبر، تفسیر احسن الحديث، تهران، بعثت، چ دوم، ۱۳۷۰.

۳۳. ——، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چ ششم، ۱۳۷۱.

۳۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چ اول، ۱۴۰۷.

۳۵. گاندی، مهاتما، همه‌ی مردم برادرند، مترجم محمود تفضلی، تهران، سپهر، چ ششم، ۱۳۶۱.

۳۶. گولد، جولیوس و ولیام، ال کولب، فرهنگ علوم اجتماعی، جمعی از مترجمان، تهران، انتشارات مازیار، چ اول، ۱۳۷۶.

۳۷. لطفی، حسین، مدیریت و روابط عمومی، تهران، دانشگاه تهران، چ چهارم، ۱۳۸۴.

۳۸. مجلسی، محمد باقر، مرآۃ العقول فی شرح أخبار آل الرسول، مصحح هاشم رسولاتی محلاتی، تهران، دارالکتب الإسلامية، چ دوم، ۱۴۰۴.

۳۹. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعه للدرر اخبار الائمه الاطهار، تهران، الاسلامیه، چ سوم، ۱۳۷۴.

۴۰. مجلسی، محمد باقر، تاریخ پامبران، قم، سورور، چ دوم، ۱۳۷۵.

۴۱. مدرسی، سید محمد تقی، تفسیر هدایت، مترجم پرویز اتابکی، مشهد، آستان قدس رضوی، چ دوم، ۱۳۷۸.

۴۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چ دهم، ۱۳۷۱.

۴۳. مظہری، مرتضی، پیرامون انقلاب اسلامی ایران، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، چ دوم، ۱۳۶۱.

۴۴. بنوی، محمد حسن، مدیریت اسلامی، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چ دوم، ۱۳۷۵.

۴۵. ورام بن أبي فراس، مسعود بن عیسی، مجموعه ورزاں، قم، مکتبة فقیه، چ اول، ۱۴۱۰.

۴۶. هاشمی رفسنجانی، اکبر، تفسیر راهنمای، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چ دوم، ۱۳۷۶.

۴۷. همتیان، علی اصغر، امنیت اجتماعی در آموزه‌های وحیانی، قم، مؤسسه بوستان کتاب، چ اول، ۱۳۹۲.